



وکیل الراحا

نازنین کیانی فرد

وکیل پایه یک دادگستری

می‌توانید سؤال‌های حقوقی خود را از طریق
نشانی ایمیل iranbanoo@icpi.ir
مشاور حقوقی ما در میان بگذارید.

● از نظر حقوقی و اجتماعی چه موارد مهمی است
که زوجین باید قبل از ازدواج نسبت به آن آگاهی
لازم داشته باشند؟

وکیل الراحا: نحوه آشنایی، رفت و آمد، در نظر
گرفتن تناسب یا به اصطلاح هم کفو (برابر،
هم‌شأن) بودن با همسر از هر لحاظ، آگاهی
از شرایط جسمی و روحی یکدیگر، اخذ گواهی
نامه‌های معتبر و انجام آزمایشات ژنتیکی و
بیماری‌های خاص و مسری، در نظر گرفتن
شروط ضمن عقد و آگاهی از این شروط، آگاهی
طرفین از حقوق یکدیگر خصوصاً حقوق مالی
زوجه، عدم پرده پوشی و کتمان حقیقت،
مسائل مربوط به نحوه برگزاری مراسم و
تعیین مهریه و یا سایر شروط، دقت در مراسم
خواستگاری، دقت در تناسب اخلاقی و روحی و
روانی با یکدیگر، قومی و عقیدتی و ارزش‌های
یکدیگر از جمله موارد مهمی است که قبل از
ازدواج باید در نظر گرفته شود.

● اگر پس از مراسم نامزدی، وصلت مورد نظر به
هردلیلی بهم بخورد، آیا طرفین می‌توانند هدایا و
هزینه‌های خود را مطالبه کنند؟

وکیل الراحا: برابر ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی هر
کدام از طرفین می‌توانند در صورت به هم
خوردن وصلت نامزدی، هدایایی را که به طرف
دیگر یا ابویین او برای وصلت منظور داده‌اند
مطالبه کنند.

حال اگر عین هدایا موجود نباشد، مستحق
قیمت هدایایی خواهند بود که به عادت نگاه
داشته می‌شود، مگر آن که هدایا بدون تقصیر
طرف دیگر تلف شده باشد. اگر هدایا جزو
وسایل مصرف شدنی و غیرقابل نگهداری مثل
گل و شیرینی باشد که قابل بازپس‌گیری نیست
و اگر وسایلی باشند که ماندگار است مثل لباس
و جواهر و طلا که پیشکش شده باشد باید
باز پس داده شود و اگر از بین رفته باشد باید به
نحو قیمت آن به اهداکننده داده شود. مگر
آن که هدیه گیرنده به طور عمدی آن را تلف
نکرده باشد، مثلاً به سرقت رفته و یا در جریان
سیل و زلزله از بین رفته باشد.

اما چنانچه هریک از طرفین فوت کنند این
مسئله یعنی استرداد هدایا انجام نمی‌گیرد زیرا
خاطرات طرفین باید مورد احترام برای طرف
دیگر باشد.

البته این مسئله در مورد بعد از ازدواج صورت
نمی‌گیرد و استرداد هدایا مخصوص دوران
نامزدی و قبل از ازدواج است.

گفتنی است، بند اول از ماده چهارم قانون
حمایت خانواده جدید مقرر کرده نامزدی و
خسارات ناشی از برهم زدن آن در صلاحیت
دادگاه خانواده است. هزینه‌های قابل
مطالبه باید متعارف باشند. هرچند ماده
۱۰۳۶ قانون مدنی در این خصوص حذف
شده است.



تقسیم اموال زوج

در نظام حقوقی ما قوانینی مقرر شده است که در آن به اصل تساوی حقوق زن و
مرد توجه نشده و همین امر موجب شده است تا زنان با درج شروطی در ضمن عقد
نکاح خود در پی جبران این تبعیض ناشیست باشند. در خصوص تبعیض‌های
مقرر شده در قوانین می‌توان به این مسأله اشاره داشت که مرد برخلاف زن می‌تواند
بدون ارائه دلیل به دادگاه رجوع نموده و اقدام به طلاق دادن همسر خود نماید.
بنابراین از جمله شروطی که اکنون قصد داریم به آن بپردازیم و برای جبران حق
مذکور در قباله ازدواج درج گردیده تا زوج به اختیار خود بنابر توافقات قبلی،
امضا نماید، بند الف قباله ازدواج است که این بند عبارتست از: «ضمن عقد
نکاح خارج لازم زوج شرط کرد هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق
تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری (زناشویی)
یا سوء اخلاق و رفتار وی نبود، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را
که در ایام زناشویی با او به دست آورده است طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه
منتقل کند.»

شایان ذکر است که در شروط مندرج در قباله ازدواج ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی که بیان
داشته است؛ شروطی که طرفین بر آن توافق می‌نمایند نباید با مقتضای ذات عقد
مخالف باشد، رعایت گردیده است و از این جهت ایرادی به آن وارد نمی‌باشد چرا
که ذات عقد نکاح ایجاد رابطه زوجیت است و در
هیچ یک از شروط قید شده در عقد نکاح، عدم
ایجاد چنین رابطه‌ای به چشم نمی‌خورد.

البته باید بیان داشت که شرایط مندرج در قباله
ازدواج، طرفین را از توافق بر شروط دیگری
جز آنچه در بند الف و ب قباله ازدواج قید شده
است در عقد نکاح یا عقد لازم دیگری غیر از عقد
نکاح از جمله حق تحصیل زوجه یا حتی این
مورد که زوج و زوجه متعهد شوند هنگام جدایی
اعم از اینکه طلاق به درخواست مرد باشد یا به
درخواست زن کلیه دارایی که بعد از ازدواج دائم
زوجین به دست می‌آورند بین آنها به مناصفه
تقسیم شود، باز نمی‌دارد.

پیش‌تر نیز گفته شد امضای تمامی شروط مذکور
توسط طرفین به اختیار صورت می‌گیرد و به رغم
رویه موجود؛ از این قرار که سر دفتران ازدواج به
تفهم شروط تبیین شده نمی‌پردازند و غالباً

زوجین بدون اطلاع کافی به امضای هر صفحه و به دنبال اعطای حقوق به طرف
دیگر اقدام می‌نمایند، نباید پنداشت که امضای تمامی صفحات اجباری است بلکه
تا زمان امضا توسط هر دو طرف صورت قانونی نیافته و قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند.

حال در فرضی که زوج بند الف را امضا می‌نماید، در هنگام متارکه ممکن است دو
حالت به وجود بیاید. نخست اینکه زوج با مراجعه به دادگاه و اثبات ادعای خود
مبنی بر اینکه زوجه از وظایف همسری خود سر باز زده یا از سوء رفتار برخوردار است
تقاضای طلاق را خواستار می‌گردد که در این حالت تقسیم اموال صورت نمی‌گیرد
چرا که تقاضای وی شرایط قید شده در بند الف را دارا نمی‌باشد. دومین حالت این
است که زوج به دادگاه مراجعه می‌کند و همچون داستان شرح یافته، بدون هیچ
علتی یا هرگونه علتی جز آنچه در بند الف آمده است، تقاضای متارکه از همسر خود را
تقدیم دادگاه می‌نماید که در حالت مذکور، با درخواست زوجه تقسیم اموال موجود
به حکم دادگاه صورت می‌پذیرد به عبارت دیگر با مطالبه زوجه بنابر نظر دادگاه از
یک تا پنجاه درصد از اموال به دست آمده و موجود طی زندگی مشترک یا معادل آن
به صورت بلاعوض به زن منتقل می‌گردد و اجرای این حکم منوط به طلاق است به
عبارت دیگر امکان الزام زوج به تقسیم اموال خود قبل از درخواست طلاق و تحقق
شرایط بند الف وجود ندارد.

در پایان جهت اطمینان قید تمام نکات این مسأله، باید گفته شود که اولاً حکم
تقسیم اموال تنها شامل اموال موجود در حین درخواست طلاق می‌گردد نه اموالی
که طی ایام زندگی مشترک به دست آمده و اکنون از بین رفته است. ثانیاً در صورتی
که در عقدنامه شرط شده باشد که مرد نیمی از دارایی‌اش را منتقل کند ملزم به
اجرای آن است و دادگاه نمی‌تواند با اعمال نظر خود از یک تا پنجاه درصد اموال زوج
را مورد حکم قرار دهد.

● **امضای تمامی شروط
مندرج در قباله ازدواج توسط
طرفین به اختیار صورت می
گیرد و به رغم رویه موجود؛ از
این قرار که سر دفتران
ازدواج به تفهم شروط تبیین
شده نمی‌پردازند و غالباً
زوجین بدون اطلاع کافی به
امضای هر صفحه و به دنبال
اعطای حقوق به طرف دیگر
اقدام می‌نمایند، نباید
پنداشت که امضای تمامی
صفحات اجباری است بلکه تا
زمان امضا توسط هر دو طرف
صورت قانونی نیافته و قابلیت
اجرا پیدا نمی‌کند**

این زندگی تا وقتی خوب پیش می‌رفت که
پیمان دور از خانواده‌اش بود. برقراری ارتباط با
خانواده‌اش پیمان را از این‌رو به آن رو کرد. نه
بد خلقی می‌کرد نه بی‌احترامی اما حتی بعد از
مرخص شدن پدرش هم حاضر نبود من را نزد
خانواده‌اش ببرد. آخر هفته‌ها را همیشه با هم به
بیرون می‌رفتیم اما از آن پس تمام وقت آزادش را
با خانواده‌اش می‌گذراند. دلیل موجهی برای این
کارش پیدا نمی‌کردم. به شش ماه نکشید حرف از
جدایی زد. حرف از اینکه تو خوبی اما خانواده ات
در شأن خانواده من نیستند و آنها هیچ وقت تو را
نمی‌پذیرند و من مجبورم به خاطر بیماری پدرم
وقت بیشتری برای آنها بگذارم؛ شوکه شده بودم.
باور نمی‌کردم این حرف‌ها بر زبان پیمان جاری
شود. نمی‌دانستم می‌توانم جلوی‌ش را بگیرم یا
خیر برای همین باید حتماً با یک وکیل صحبت
می‌کردم. اما ناامید از دفتر وکیل بیرون آمدم.
خلاصه حرف‌هایش این بود که «مرد می‌تواند
بی‌هیچ دلیلی هر زمان که بخواهد همسر خود را
طلاق دهد» و من فقط می‌توانستم به‌عنوان یکی
از حقوق مالی ام، تقسیم اموالی را که در کنار من
به دست آورده بود خواستار بشوم. هر چند این‌ها
جبران زندگی از دست رفته‌ام نمی‌شد.